



اساس سوسیالیسم  
انسان است.

سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.

**منصور حکمت**

**انترناسیونال**

**هفتگی**

بنیانگذار: منصور حکمت

**حزب کمونیست کارگری ایران**

**سردبیر: فاتح بهرامی**

haftegi@yahoo.com  
Fax: 0044-870 120 7768

**۱۵۹**

۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۲  
۱۶ مه ۲۰۰۳

**جمعه ها منتشر میشود**  
www.haftegi.com

**دفتر مرکزی حزب**

Tel: 0044-795-051-7465  
Fax: 0044-870-135-1338  
markazi@ukonline.co.uk

## اوضاع سیاسی ایران بعد از اشغال عراق

۱- وضعیت رژیم

فاتح بهرامی

تغییر رژیم هائی که برای منافع آمریکا مضر تشخیص داده شوند، یک فاکتور اصلی در استراتژی جدید آمریکا برای ایجاد نظم نوین جهانی و تامین قدرتی آن تعریف شده است. با حمله به عراق اجرای این سیاست رسماً و عملاً شروع شد. تا همینجا، علاوه بر خود عراق، حضور نظامی آمریکا و انگلیس در منطقه وضعیت سیاسی خاورمیانه را بطور جلی تحت تاثیر قرار داده است. مستقل از میزان توان و امکان آمریکا برای تکرار سناریوی عراق در کشورهای دیگر، نفس این حضور نظامی و تهدیدی که بالای سر مردم منطقه و برخی حکومتها قرار میگیرد، روی روابط دولتهای منطقه با آمریکا و با همدیگر و همچنین روی موقعیت نیروهای اپوزیسیون و جنبش های مختلف سیاسی اثر میگذارد. در این میان ایران وضعیت ویژه و پیچیده ای دارد. از یک سو در کنار بحران اقتصادی شدید و بحران حکومتی و اختلافات میان جناحهای حکومت، جنبش عظیم مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی این رژیم را در تنگنای جلی قرار داده است. و از سوی دیگر آمریکا با استفاده از وضعیت جدید و حضور نظامی اش در مرزهای ایران فشار به جمهوری اسلامی را افزایش میدهد. در متن شرایط سیاسی جدید امروز، یکی وضعیت رژیم و مسائل مقابل آن، و دیگری جنبش سرنگونی، اپوزیسیون و امکانات و راه مردم برای دست یافتن به آزادی از مولفه های مهم مربوط به اوضاع سیاسی ایران هستند. در اینجا به جنبه هائی از آنها میپردازم.

### مناکره با آمریکا،

### وضعیت جناحهای رژیم

شعار "مرگ بر آمریکا" تاکنون تابلوی سیاست جمهوری اسلامی در مقابل آمریکا بوده است. از زمانی که خمینی آمریکا را "شیطان بزرگ" نامید، لاقلاً در سطح علنی و گذشته از ارتباطات پنهانی که در مواردی وجود داشته، عدم ارتباط با آمریکا و مخالفت با آن جزو سیاست رسمی جمهوری اسلامی بوده و حرف زدن از باز کردن رابطه با آمریکا نابخشودنی

صفحه ۴

## تعرضات اخیر جمهوری اسلامی را باید در هم شکست

صفحه ۳



## خیلی ممنون آقایان، مردم ایران چلبی لازم ندارند

درباره شورای رهبری آقای پهلوی

کوروش مدرسی

میگوید از آن درس گرفته است. در نتیجه تکان جدیدی به طرح رفراهم دادند و از بغل و بطور ضمنی پای رفراهم کننده را به میدان میکشند. ظاهراً بحث در مورد شورای رهبری (رهبری چه؟ بماند) است اما در پایه

صفحه ۲

با همین سناریو به قدرت رسید. داستان سر راست است: انتظار دارند ائتلاف اینها را ارتش آمریکا در تهران به قدرت برساند. اما اسکورت مستقیم سلطنت طلبان سر راست و جمهوری خواهان طرفدار سلطنت به تهران توسط ارتش آمریکا زیادی رنگ ۲۸ مردادی دارد، که آقای پهلوی

امکان به قدرت رسیدن با پشتوانه ارتش آمریکا تحرک تازه ای را در صف اپوزیسیون راست بوجود آورده است. بوی قدرت همه این اپوزیسیون را بیرون کشیده است، میخوانند شانس شان را امتحان کنند. رویای چلبی شدن تک و تائی در صفوف این بخش از اپوزیسیون انداخته. شاید بشود

## سازش با آمریکا، تعرض به مردم

آذر ماجدی



اسلامی در چنبره بحران عمیق سیاسی و در تعرض و تهدید دائمی و روزافزون مردم قادر نیست به سیاست پیشین در قبال آمریکا ادامه دهد و در برابر فشار و تهدیدات آمریکا بطور علنی و صریح سر سازش دارد.

صفحه ۴

جمهوری اسلامی بیش از هر زمانی از طرف آمریکا تحت فشار قرار گرفته است. یورش آمریکا به عراق و تهدیداتی که بطور علنی و ضمنی علیه جمهوری اسلامی براه انداخته، این رژیم را در منگنه قرار داده است. بویژه در شرایطی که جنبش سرنگونی طلب در ایران گسترش و عمق بسیاری یافته، جمهوری

علی جوادی



صفحه ۳

## نظام حکومتی آتی و "منشور آزادیهای سیاسی"

حکومتی آتی در فدای سرنگونی رژیم اسلامی است. کدام نظام حکومتی؟ کدام آئینتانیو؟ تصویر همگان از جامعه ایده آل و مطلوبشان یکسان نیست. حزب کمونیست کارگری خواهان

جمهوری اسلامی در سرایشی سقوط است. مردم در تلاش برای سرنگونی و خلاصی از شر رژیم اسلامی هستند. سوال کلیدی که اکنون در مقابل جامعه قرار گرفته است مساله نظام

## جنایت تروریستها در ریاض را محکوم کنید!

صفحه ۲

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

## خیلی ممنون آقایان ...

تلاشی برای تکرار جنگ آمریکا علیه عراق در ایران است. البته این را خودشان مستقیم نمیگویند اما چک کردن آن ساده است. آمریکا را از سناریو به قدرت رسیدن راست، حذف کنید ته دیگ یک طرح کودکانه باقی میماند که اصلا بحث در مورد آن را باید توهینی به شعور مردم ایران دانست. تصور کنید، بلون فاکتور آمریکا، قرار است با وجود جمهوری اسلامی مردم از میان لیست مثلا ۱۰ یا ۱۵ نوع حکومت، حکومت مورد نظرشان را "تیک" بزنند (یعنی همان فرآیند مشهور را انجام دهند). بعد از روشن شدن اینکه مردم جمهوری اسلامی را نمیخواهند "برادران" سپاه، "مامورین بی نام و نشان امام زمان" و گله حزب الله، اتیکت سیاسی را رعایت کنند با ایراد خطابهای شکست را بپذیرند، قبول کنند که مردم حکومت خدا را رد کردهاند، با آرزوی موفقیت دفتر و دستک و حسابهای بانک و اسلحستان را تحویل میدهند و دنبال کارشان میروند! این سناریو کودکانه تر از آن است که بتوان قبول کرد کسی آنرا جنی میگیرد. فاکتور آمریکا در متن مفروض است و همه شان هم میدانند اما کسی در مورد آن بحثی نمیکند. همه میدانند جمهوری اسلامی نمیروند، باید آنرا اناخت. اما پذیرش رسمی این حکم بدبھی اپوزیسیون راست را با مسئله جنی تری روبرو میکند. میدانند جمهوری اسلامی باید بیفتد اما نمیخواهند مردم آنرا بیندازند. اگر مردم جمهوری اسلامی را ساقط کرده باشند، بعید میدانم در اردوی سلطنت یک نفر فکر کند که مردم قیام کرده برای شاهزاده یا شورایش فرش قرمز یهن میکنند. اگر هم با هر "فعل و انفعالی" هم پای شورای آقای پهلوی به تهران رسیده باشد مردم در خیابان، مردم به قدرت رسیده را تنها با یک ضد انقلاب خونین میتوان دوباره به خانه فرستاد که از عهده جریان راست بر نمی آید و قطعا با شکست روبرو میشود. یک مشاهده ساده نشان میدهد که چپ، و بطور اخص حزب کمونیست کارگری ایران، یک پای اصلی قدرت سیاسی در ایران است که اجازه چنین کاری را نخواهد داد. قدرت مردم در قابلیت و نفوذ ما

ضرب کنید، به معضل اپوزیسیون راست میرسید. در نتیجه باید قدرت را از بالای سر مردم بگیرند. تنها شانس واقعی به قدرت رسیدن شان این است. اپوزیسیون راست به نیروی خود شانس ندارد. شانش را باید از کس دیگری بگیرد و این کس امروز، بعد از جنگ عراق، آمریکا است. اگر آقای پهلوی قبلا از آفریقای جنوبی و مندلا و گاهی هم خوان کارلس مثال می آورد امروز دیگر چلی الگوی آقای پهلوی میشود. اما همان طور که گفته جرات طرح مستقیم آمریکا را ندارند. تصور کنید میشد هنوز وانمود کرد که آمریکا واقعا بدنبال سلاحهای کشتار جمعی به عراق رفته است. تصور کنید میشد گفت مردم عراق با آغوش باز از آمریکا استقبال کردند. تصور کنید هنوز میشد ادعا کرد که ما نه با اشغال عراق بلکه با آزاد سازی آن روبرو هستیم. تصور کنید هنوز ژورنالیست های نوکر میتوانستند گزارش کنند که بمبی روی مردم ریخته نشده، شیرازه مدنیت در عراق از هم گسیخته نیست. تصور کنید میتوانستند ادعا کنند که زنان در عراق آزاد شدند و اسلام سیاسی پس زده شده. تصور کنید میشد ادعا کرد که کودکان زیر حاکمیت دارو دسته های مذهبی، قومی و عشیرهای شاد هستند و به تباهی فیزیکی و معنوی رانده نشدهاند. تصور کنید میشد گفت آمریکا برای مردم عراق جز تباهی چیزی را به ارمغان آورده. تصور کنید میشد پنهان کرد که بزرگترین تظاهرات تاریخ بشر توسط بشریت متملن در دنیا و در همین غرب علیه سیاست آمریکا انجام شد. تصور کنید نفرت عمومی مردم در دنیا از سیاست آمریکا را میشد سرپوش گذاشت، میشد همراه با جمهوری اسلامی دسترسی مردم به اطلاعات "نامطلوب" را ناممکن کرد. آنوقت اپوزیسیون راست ما ناچار از اینهمه پیچ در پیچ زدن نبود. مثل جناح افراطی، و ابله، خود دستش را رو میکرد، اعلام میکرد که معلوم است که جمهوری اسلامی را باید اناخت. مردم لازم نیست خود را به زحمت بیندازند، آمریکای رهائی بخش این کار را میکند ما باید جمعی را درست کنیم، ما باید پارلمان موقت در تبعید برای آمریکا بسازیم، جمعی را آماده کنیم که پشت سر آمریکا قدرت را در کنترل ما و طبقه ما نگاه دارد.

عکسهای آقایان بوش و رمسفلد بر سردر ساختمانها نصب میشد. اما این کار را نمیشود کرد. مردم ایران عراق را دیدند. مردم ایران در مقابل چشم خود پاشیدن شیرازه زندگی مردم عراق را دیدند. مردم ایران دیدند دنیای متملن علیه این سیاست ایستاد. و حزب کمونیست کارگری ایران وجود دارد. در مقابل دنیای تباهی جناح راست دنیای بهتری قرار گرفته است. نمیشود با پرچم آمریکا وارد معرکه شد باید با دایره و دنگ رهبری بی دم یال اشکمی را اعلام کرد که هدفش چیز دیگری جز رهبری است.

شورای رهبری پیشنهادی آقای پهلوی ربطی به رهبری مبارزه مردم ندارد. از گرد آوردن نیروهای سیاسی مختلف گذشته، شانس گرد آوردن جناحهای مختلف اپوزیسیون راست، حتی شعب مختلف سلطنت طلبان، را هم ندارد. خود چلی و رامسفلد هنوز که هنوز است نتوانستند چنین شورائی را در عراق سرهم کنند. این واقعی نیست. این یک پیشخوان یا بقول انگلیسی front است. پیشخوانی برای جلب حمایت مادی و سیاسی و عملی دولت آمریکا. مقدمات بکارگیری سیاست آمریکا در ایران را دارند فراهم میکنند. آقای پهلوی دارد الگوی چلی را دنبال میکند. اما دنبال کردن الگوی چلی اوج لاقیدی اینها به سرنوشت مردم ایران را نشان میدهد. آنچه در عراق اتفاق افتاد بازی کودکانهای نسبت به فاجعهای که اینها میخواهند آمریکا در ایران بیافریند خواهد بود. قرار است هزاران تن بمب بر سر مردم ایران ریخته شود، قرار است بنیادهای مدنیت در هم شکسته شوند، قرار است هر بخش و گوشه این کشور بدست یک دار و دسته قومی یا مذهبی داده شود، قرار است ایران را عراقیزه کنند تا به قدرت برسند. آقای پهلوی الگوی چلی را انتخاب کرده است اما همین الگو دامنه انسانیت، دمکرات منشی و آزادی خواهی و به اصطلاح بیزاری ایشان از خشونت را هم نشان میدهد. آقای پهلوی بعنوان رهبر ارثی جناح راست متوجه دو تفاوت ایران با عراق نیست. در ایران مردم فی الحال در میدان هستند و علیرغم آرزوی جریان راست نسبت به انقلاب یک جنبش انقلابی در جریان است. چپ و کمونیسم در ایران قدرتمند است. از من بپذیرید که مردم ایران به چلی نیاز ندارند.

## جنایت تروریستها در ریاض را محکوم کنید!

کما بیش به یک وجه عادی زندگی مردم در چهار گوشه جهان تبدیل شده است.

از ۱۱ سپتامبر تا جنگ علیه مردم عراق و انفجارهای اخیر در عربستان و فجایع دیگری که در راهند، نیاز یک صفیندی قوی علیه هر دو سوی این تقابل ضد انسانی را توسط مردم متملن جهان تاکید میکند. وضعیت امروز در خاورمیانه اولین نتایج "نظم نوین جهانی" بوش و شرکاست که تروریسم و جنگ و میلیتاریزه کردن فضای زندگی مردم جزو لاینفک آنست. هر دو سوی این تقابل، ارتجاعی، و ضد مردم و آزادی و امنیت آنها هستند. مردم متملن و پیشرو باید علیه هر دو سوی این تروریسم قاطعانه به میدان بیایند.

حزب کمونیست کارگری ایران انفجار در مناطق مسکونی و تروریزه کردن زندگی مردم بیگناه را قاطعانه محکوم میکند و همه مردم را به اعلام انزجار نسبت به این جنایات فرامیخواند. دست آدم کشان باید از زندگی مردم کوتاه شود.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۵ اردیبهشت ۸۲

## یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری  
را بخوانید!

رادیو انترناسیونال  
۲۱ متر - ۱۳۸۸۰ کیلو هرتز  
۹ تا ۹:۳۰ شب بوقت تهران  
به دیگران اطلاع بدهید  
radio7520@yahoo.com  
Tel: 0044 7714611099  
اطلاعات و پیامگیر رادیو:  
0046 8 659 0755  
رادیو انترناسیونال روی اینترنت  
www.radio-international.org

برای یک دنیای بهتر  
برنامه تلویزیونی علی جوادی  
از طریق ماهواره در تلویزیون کانال ۱  
سه شنبه: ۱۱:۳۰ شب  
پنجشنبه: ۶:۳۰ بعد از ظهر  
جمعه: ۱۲ ظهر  
شنبه: ۶:۳۰ بعد از ظهر  
بوقت تهران

مرگ بر جمهوری اسلامی!  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱

## نظام حکومتی آتی ...

یک جمهوری سوسیالیستی است، و نظام سرمایه داری را مسبب و عامل فقر و محرومیت، تبعیض و نابرابری، اختناق و سرکوب سیاسی، جهل و خرافه و عقب ماندگی فرهنگی، بیکاری، بی مسکنی، فساد و جنایت موجود در جوامع بشری میدانند. اما در نقطه مقابل جریانات راست و طرفدار سلطنت علت فقر و بدبختی را عدم گسترش مناسبات سرمایه داری میدانند و معتقدند با از میان بردن موانع حرکت سرمایه وضع بهتر خواهد شد. حزب کمونیست کارگری خواهان آزادیهای بی قید و شرط سیاسی در جامعه است. اما در نقطه مقابل جریانات طرفدار سلطنت آزادیهای سیاسی بی قید و شرط را باعث ایجاد هرج و مرج در جامعه میدانند. حزب کمونیست کارگری میخواهد اقتصاد جامعه را به گونای سازمان دهد که قانون اساسی رفیع نیامندیهای متنوع و رو به گسترش مردم باشد، و هدف فعالیت اقتصادی را رفاه انسانها و تامین نیامندیهای آنان میدانند. اما برای طرفداران سلطنت و بازار آزاد مینا سود سرمایه است. یکی حرمت انسان، رفاه انسان، آزادی انسان مبنای فعالیتش است، دیگری اما هر آنچه را که در تناقض با کارکرد سرمایه و سود تشخیص دهد از سر راه بر خواهد داشت. یکی فلسفه وجودییش را انسان و آزادی و برابری و رفاه انسان تشکیل میدهد، اما دیگری قوم و ملت و ناسیونالیسم. انسانها را به ملت و قوم تقسیم میکند و برای سود کشی و بهره کشی طوق اسارت ناسیونالیسم را بر گردنشان می اندازد. یکی برابری طلب است، نه فقط در برابر قانون بلکه در بهره مندی از امکانات و مواهب زندگی. اما دیگری ارزش و جایگاه انسان برایش بر مبنای موقعیت طبقاتی و حجم کیف پولشان تعیین میشود. یکی خواهان جامعهای بدون مذهب، بدون خرافه، بدون زنجیر سنن و اخلاقیات کهنه بر اندیشه آزاد انسانهاست اما دیگری مذهب همواره ابزاری در دستش به منظور کنترل و خفه کردن اعتراضات و توقع مردم بوده است. دستگاه مذهب و دستگاه سلطنت همواره از ارکان ارتجاع سیاسی در تاریخ تا کنونی بوده اند.

بنابراین باید انتخاب کرد. نمیتوان میان اهداف متضاد اجتماعی پلی زد. نمیتوان این اهداف متفاوت را در هم ادغام کرد و یا از آنها مخرج مشترک گرفت. وحدت "چپ" و "راست" ممکن نیست. "همه با هم"

خیمینی را مردم نتایجش را دیدند. ارتجاع سیاه خیمینی حاکم شد. حاکم شد. چپ قتل عام شد و مردم به خاک سیاه کشیده شدند. جوامع همواره در تند پیچ تحولات یک افق اجتماعی را انتخاب کرده اند. از اینرو مردم باید انتخاب کنند که آیا میخواهند سرنوشت خود را خود در دست بگیرند و پرچم آزادی و رفاه و برابری را بلند کنند یا اینکه قرار است به قدرتهای غربی، به جنبشهای طرفدار استثمار و بازار آزاد و دیکتاتوری نظامی و تهاجم نظامی چشم بدوزند؟ در پس پاسخ به این سوال است که مساله رهبری جنبش سرنگونی پاسخ نهایی و تعیین کننده خود را خواهد یافت. مردم خواهان آزادی باید پرچمدار آزادی را انتخاب کنند.

### منشور آزادیهای سیاسی

در پروسه تحولات آتی، ممکن است سقوط رژیم اسلامی ایستگاه آخر و حلقه پایانی تحولات سیاسی در ایران نباشد و در چنین شرایطی سوال محوری این است که حق مردم در تعیین حکومت آتی چگونه تضمین میشود؟ حزب کمونیست کارگری معتقد است به منظور تامین شرایطی که فعالیت آزاد و امن سیاسی در جامعه ممکن شود و مردم بتوانند آزادانه و آگاهانه حکومت مطلوب خود را تعیین کنند جمهوری اسلامی باید سرنگون شود و مفاد منشور آزادیهای سیاسی منتظر گردد. تحقق این منشور به مردم امکان میدهد که در شرایطی آزاد، برابر، امن، در شرایطی که امکان مطلع شدن دارند، آگاهانه و آزادانه بتوانند نظام حکومتی مطلوب خود را تعیین کنند. اما این شرایط کدامند؟

۱- جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش. لغو کلیه قوانینی که منشاء مذهبی دارند. آزادی مذهب و بی مذهبی.

۲- آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان و مطبوعات و اجتماعات و تشکل و حزب و اعتصاب. بدون هر کدام از این آزادیها تعیین هیچ حکومتی برای فردای ایران آزادانه و آگاهانه نیست.

۳- برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی. آزادی زن پیش شرط دخالت همه جانبه زنان در سرنوشت جامعه و تعیین حکومت آتی در ایران است.

۴- برابری کامل حقوق همه شهروندان، صرف نظر از جنسیت و مذهب و ملیت و تابعیت.

۵- آزادی کلیه زندانیان سیاسی. اگر احدی بخاطر عقاید و باورهای سیاسی و فعالیت سیاسی اش در

زندان باشد، جامعه از آزادی و امنیت سیاسی برای ابراز عقیده خود برخوردار نیست.

۶- لغو مجازات اعدام. جامعهای که در آن دولت عمدا انسانها را چه بخاطر عقاید و فعالیت سیاسی شان و چه بخاطر جرمی که مرتکب شده اند، اعدام میکند، در چنین جامعهای انسان حرمتش از پیش له شده است.

۷- دسترسی همگانی به ویژه احزاب و تشکلهای رسانه های جمعی دولتی. آزادی و امکان استفاده از آزادی دو مقوله متفاوتند. در برخی از جوامع غربی آزادی بیان وجود دارد اما امکان استفاده از آزادی بیان و امکان مطلع کردن همگان از عقاید موجود در جامعه به امکانات مادی و چگونگی دسترسی به رسانه های جمعی گره خورده است. بمنظور اینکه مردم آزادانه حکومت آتی خود را انتخاب کنند، نه تنها باید از آزادیهای سیاسی بی قید و شرط برخوردار باشند، بلکه همگان و ویژه احزاب سیاسی باید امکان و دسترسی کامل و برابر در تبلیغ نظرات خود را داشته باشند. وجود آزادیهای سیاسی باید با امکان استفاده از آزادیهای سیاسی همراه باشد.

این مجموعه شرایط پایهای است که به مردم امکان میدهد که بطور آزاد و آگاه در پروسه تعیین نظام آتی پس از سرنگونی رژیم اسلامی شرکت کنند. این شرایط مبانی وحدت نیروهای اپوزیسیون نیستند، اما میتوانند مبنای توافقات اپوزیسیون برای تضمین حقوق پایهای مردم باشند. حزب کمونیست کارگری این منشور را اعلام کرده است. خود را نه تنها به مفاد این منشور بلکه به خواستها و حقوقی بسیار وسیعتر از این متعهد کرده است، و به همه احزاب اپوزیسیون به

همه جریانات سیاسی به همه تشکلات اجتماعی و سیاسی فراخوان داده است که پایبندی خود را به آن اعلام کنند.

منشور آزادیهای سیاسی متضمن حقوق اولیه و مسلم مردم است. مفاد این منشور را باید معیار ارزیابی از نیروهای سیاسی قرار داد. از همگان باید خواست که روشن و صریح پایبندی خود را به این منشور اعلام کنند. اگر کسی رنگی به کفش نداشته باشد باید به مفاد این منشور متعهد شود.

ما تردیدی نداریم که در شرایطی که آزادیهای سیاسی برسمیت شناخته شده باشد، در شرایطی که انسانها آزاد باشند و ترس و مصلحت گرایی حاکم نباشد، بدون تردید آزادی و برابری و رفاه است که انتخاب مردم است.

امروز تمام سکولاریستها، تمام زنان و مردانی که خواهان برابری و آزادی کامل زن و مرد هستند، تمام

## تعرضات اخیر جمهوری اسلامی را باید در هم شکست

نشینی ایدئولوژیک و سیاسی تلقی میشود و این در حکم فراخوان به مردم برای گسترش مبارزه است. در چنین مواقعی طبق معمول بگیر و ببند راه می اندازد تا جلو گسترش مبارزه مردم را بگیرد. اما این سیاست بارها شکست خورده است و در شرایطی که بحران و استیصال حکومت همه جانبه تر از همیشه است، این سیاست محکوم به شکست است. اعمال کنندگان این سیاست خود مرعوب شده اند و مردم اینرا در چشم آنها میخوانند. اینبار نیز مردم معترض، تعرضات حکومت را با گسترش مبارزه پاسخ خواهند داد و جمهوری اسلامی مستاصل تر و ضعیف تر از همیشه باید با جنبش سرنگونی طلبی دست و پنجه نرم کند.

اوضاع کنونی بار دیگر این حکم اساسی را که جمهوری اسلامی باید سرنگون شود بیش از هر زمان تاکید میکند. این رژیم باید سرنگون شود. و به نیروی مردم باید سرنگون شود. این سریعترین، عملی ترین و واقع بینانه ترین راهی است که در مقابل جامعه قرار گرفته است. حزب کمونیست کارگری پیشروان و فعالین جنبش کارگری، فعالین جنبش اعتراضی دانشجویان و معلمان، جوانان انقلابی و همه کمونیستها و آزادیخواهان را به متشکل کردن و آماده کردن صفوف مردم برای انقلاب فرامیخواند.

**حزب کمونیست کارگری ایران**  
۱۴ مه ۲۰۰۳

## تلویزیون انترناسیونال

یکشنبه ها ساعت ۵:۳۰ بعدازظهر

تکرار: جمعه ها ساعت ۵:۳۰ بعدازظهر

بوقت تهران

در شبکه تلویزیونی کانال یک

تلویزیون انترناسیونال روی شبکه اینترنت:

[www.wpiran.org/TV](http://www.wpiran.org/TV)

جوانانیکه برای یک زندگی بهتر و خلاصی از تکب شرایط حاضر تلاش میکنند، تمام کارگرانیکه از مصیبتهای این نظام استثمارگر به تنگ آمدند، و تمام کسانیکه خواهان زندگی برابر و مرفه برای همگان هستند، باید به دور پرچم "یک دنیای بهتر" حزب

کمونیست کارگری گرد آیند. این انتخابی برای آزادی و خوشبختی است. انتخاب آلترا تویو حزب کمونیست کارگری انتخابی برای آزادی است. اما خیزش انقلابی توده های مردم سر راست ترین و کم درد ترین راه تحقق این اهداف است.

از صفحه ۱

## سازش با آمریکا ...

اخیرا علاوه بر مذاکره با آمریکا، مقامات مختلف جمهوری اسلامی از جمله خزانی رسماً و علناً تمایل جمهوری اسلامی به سرگرفتن رابطه با آمریکا را مطرح کرده اند. "یاغی گری" در مقابل آمریکا رفته رفته به سیاست فراموش شده‌ای در سیاست های جمهوری اسلامی بدل میشود. آمریکا علاوه بر قرار دادن جمهوری اسلامی در محور شر و تهدید ایران به بهانه های مختلف، از جمله توسعه سلاح های هسته ای و غیره، از برخی نیروهای اپوزیسیون نیز بمنظور

اهرم فشار استفاده میکند. از جمله مجاهدین، که شاهد نوسانات سیاست آمریکا در قبال آنها پیش و بعد از مذاکره ژنو با جمهوری اسلامی بودیم، و افزایش کمک به اپوزیسیون راست پرو غرب، همگی بمنظور فشار آوردن به جمهوری اسلامی برای کنار رفتن از اردوگاه اسلام سیاسی در منطقه است. آمریکا، بویژه، بمنظور محدود کردن جنبش اسلام سیاسی در عراق و در رابطه با مساله فلسطین جمهوری اسلامی را تحت فشار میگذارد. تاکنون جمهوری اسلامی در مقابل این فشارها بسیار محتاط با آمریکا روبرو شده است و بنظر میرسد که بمنظور حفظ خود در ایران، حاضر به همکاری است.

سفر خاتمی به لبنان و سوریه در رابطه با سرنوشت آتی حزب الله انجام گرفته است. همکاری و تعدیل روش نسبت به آمریکا برای حفظ خود یک روی سکه است و روی دیگر سکه تشدید حمله و تعرض به مردم در داخل کشور است. این رویه شناخته شده جمهوری اسلامی است که هرگاه اوضاع سیاسی بحرانی میشود، هرگاه بوی خطر را استشمام میکند، تعرضی نوین را به مردم، بویژه به زنان و به جوانان، آغاز میکند. موج جدید اعلام ها، دستگیری تعدادی از معلمین معترض، حمله به کارگران معترض، راه انداختن دار و دسته های خواهر زینی روینده دار برای ایجاد مزاحمت

و اذیت زنان و دختران جوان، حمله به مردم و بازداشت جوانان بخاطر گوش کردن به موسیقی، حمله و بازداشت باصطلاح "زنان خیابانی"، همه و همه یک تعرض دفاعی برای عقب راندن مردم، برای پس زدن جنبش اعتراضی مردم، برای آنست که به مردم بگوید هنوز سکان سرکوب و کشتار را در دست دارد. این نه یک حمله برای پیشروی، بلکه حمله ای برای حفظ وضع موجود و جلوگیری از پیشروی مردم است. این سیاست نخ نمای جمهوری اسلامی است. مساله اینجاست که این اقدامات سرکوبگرانه قادر به نجات جمهوری اسلامی نیست. دارویی موقت است. تاثیر آن کوتاه است. کار جمهوری

اسلامی از این خراب تر است. بحران سیاسی - اجتماعی از این عمیق تر است. تنها راه مقابله با سیاست سرکوب و کشتار جمهوری اسلامی گسترش و تعمیق جنبش سرنگونی طلب است. جنبش اعتراضی مردم، مبارزات مردم برای آزادی و حقوق خود باید گسترش یابد. این کلید حل بحران بنفع مردم است. مبارزه مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی نه تنها مردم ایران را آزاد خواهد کرد، بلکه هیولای اسلام سیاسی که زندگی مردم در منطقه را با ترور و ارباب روزمره مواجه کرده نیز به زانو درخواهد آورد.

از صفحه ۱

## اوضاع سیاسی ایران ...

و عبور از "خط قرمز" تلقی شده است. حتی وقتی چند هفته پیش رفسنجانی در شرایط جدید از به رفراندم گذاشتن مساله رابطه با آمریکا حرف زد از طرف کیهان بوی تذکر داده شد که پا را از خط قرمز فراتر نهد. بعد از مرگ خمینی، خامنه ای بعنوان ولی فقیه و رهبر رژیم همان موضع خمینی را نمایندگی میکرد است. مخالفت با "شیطان بزرگ" و شعار "مرگ بر آمریکا" همواره بعنوان یک پایه هویتی و ایدئولوژیکی رژیم اسلامی مورد تاکید قرار گرفته است. اما بدرجاتی در یکی دو سال اخیر زرمزه هائی از جانب برخی دو خردادپها درباره رابطه با آمریکا به گوش میرسید که از زمان قطعی شدن حمله آمریکا به عراق این زرمزه ها شکل آشکارتر و صریحتری پیدا کرد که البته با مخالفت جناح راست و تذکرات شدید خامنه ای همراه بود. بحث های دوخردادپها در دفاع از رابطه با آمریکا در قالب های دفاع از امنیت ملی و حفظ جمهوری اسلامی و جلوگیری از زیانهای بیشتری که رژیم شان از قطع رابطه با آمریکا دیده است، بیان میشود و میشود. همچنین تاکید زیادی بر این نکته میشود که ادامه دشمنی با آمریکا باعث حمله آمریکا به ایران میشود و در همین زمینه نیز در زمان حمله آمریکا به عراق دو خردادپها رسانه های جناح راست را بخاطر تبلیغات ضد آمریکائی مورد انتقاد قرار دادند که به بیطرفی جمهوری اسلامی در جنگ خشنه وارد میکنند

ساقط کردن رژیم، فشار آمریکا اضافه شده است. آمریکا در موقعیتی قرار گرفته و سیاستی را پراتیک کرده است که جمهوری اسلامی را به امتیاز دادن و عقب نشینی وادار کرده است. مقامات آمریکا هر روز دارند درباره حمایت رژیم اسلامی از تروریسم و دخالت در عراق و دستیابی به سلاح اتمی به او تذکر میدهند. مستقل از اختلاف نظر در محافل وزارت خارجه و وزارت دفاع آمریکا بر سر برخورد به ایران، یک هدف اساسی این اعمال فشارها و تذکرات حداقل در کوتاه مدت این است که رژیم اسلامی را وادار کنند که مزاحم آمریکا در عراق و منطقه نشود، و در این جهت تاکنون نشانه های امتیازگیری از جمهوری اسلامی را میشود مشاهده کرد. سفر خاتمی به لبنان یک نمونه است که بنظر میرسد در جهت متقاعد کردن حزب الله که پا روی دم آمریکا نگذارند، تلاش کرده است.

ریاست جمهوری بود که بلکه شورای نگهبان آنرا تصویب کند. این اتفاق نیفتاد. این طرح نیز مانند طرح دیگر خاتمی در مورد اصلاح قانون انتخابات چند روز پیش با قاطعیت از طرف شورای نگهبان رد شد. خامنه ای نیز از جناح راست دفاع کرد و نظر داد که تعیین تکلیف طرح افزایش اختیارات رئیس جمهوری مراحل قانونی را طی کند یعنی به مجمع تشخیص مصلحت ارسال شود. باین ترتیب دو طرحی که نزدیک به یکسال است موضوع تبلیغ طرفداران اصلاح جمهوری اسلامی است و عناصر آنها در حاکمت و پادوهایشان در خارج حکومت بر سر آن هیاهو براه انداخته بودند رد شد. دیگر بتمامی امید اصلاح طلبان حکومتی برای "پروژه اصلاحات" از بین رفته است و خودشان بر آن تاکید میکنند. اکنون بدنبال رد این لوایح بحث استعفای دسته جمعی را مطرح میکنند که آنها با تذکرات جناح راست موجب دو دستگی و شک در میان آنها شده است. احتمال اینکه تعداد قابل توجهی از اصلاح طلبان از حاکمیت بیرون روند بسیار ضعیف است. جرئتشان را ندارند و با احتمال زیاد به بهانه حفظ نظام و امنیت ملی و وضعیت ویژه فعلی که جمهوری اسلامی در آن قرار گرفته، آنرا منتفی میکنند. واقعیت هم اینست که استعفای دسته جمعی آنها ممکن است بهانه ای به دست مردم برای اعتراضات وسیع علیه کل جمهوری اسلامی بدهد و بهمین جهت جناح راست سعی میکند با تهدید جلو آنرا بگیرد. باین ترتیب اکنون جناح دو خردادپها پوشالی تر از همیشه در دولت و مجلس حضور دارد. امکان عوامفریبی های تاکنونی و یکسال پیش آنها نیز منتفی شده است. و رژیم با دو جناحش عملاً در

هیبت جناح راست مقابل مردم است. در شرایط حاضر جمهوری اسلامی برای مقابله با وضعیتی که در آن قرار گرفته، از یکسو در مقابل آمریکا به عقب نشینی و حرکت دست به عصا رو آورده و از طرف دیگر در مقابل مردم موج جدیدی از ارباب و بگیر و ببند و اعدام راه انداخته است. از احکام سنگین برای عناصر ملی مذهبی خودش، تا دستگیری معلمان و اعدام های خیابانی و در ملا عام و بستن سایت های اینترنتی و افزایش فشار به زنان و جوانان در روزهای اخیر نمونه هائی از این تلاش است. این سیاست ارباب جزئی از تلاش همیشگی رژیم برای کنترل اعتراضات مردم سرنگونی طلب و همچنین آماده شدن برای مقابله با شرایطی است که موجودیت رژیم را تهدید میکند. علاوه بر این ایجاد فضائی است که شاید بتواند ۱۸ تیر را بدون ضربه شدید از سر بگذراند. اما هر بار که رژیم چنین موجی از ارباب براه انداخته نوعی به ضد خودش تبدیل شده و اعتراضات وسیع مردم در اشکال گوناگون سر بلند کرده است. بهشهر نمونه اخیر چنین وضعیتی است. مشکل جمهوری اسلامی یا هیچ درجه ای از کنار آمدن با آمریکا و کوتاه آمدن در مقابل آن حل نمیشود، مشکل جمهوری اسلامی مردم ایران و جنبش سرنگونی است که دانشا سایه اش مقامات و سران این حکومت را در وحشت فرو برده است. در بخش بعد به وضعیت جنبش سرنگونی، اپوزیسیون و امکان مردم برای رها شدن از دست جمهوری اسلامی میپردازم. ادامه دارد.